

## بررسی توصیف رجالی محمد بن سنان

علی خادم‌پیر

### چکیده

نام محمد بن سنان، در کتب حدیثی فراوان آمده است؛ ولی درباره توثیق یا تضعیف وی، بین علمای رجال، اختلاف وجود دارد. عده‌ای وی را بنا به اتهاماتی چون غلو، وجاده‌ای بودن روایاتش، «کذاب مشهور» شمرده شدن توسط فضل بن شاذان و ...، به شدت تضعیف کرده‌اند و عده‌ای نیز وی را توثیق کرده‌اند و از اصحاب سرّ ائمه به حساب آورده‌اند.

علمای متأخر نیز با بررسی اقوال علمای رجال درباره وی، گاه قائل به توقف شده‌اند و گاه به دلیل تضعیف نجاشی و شیخ طوسی، به تضعیف وی حکم داده‌اند و برخی هم با بررسی روایاتی که توسط محمد بن سنان نقل شده و همچنین بررسی اقوال علمای رجال، ضمن ردّ تضعیف محمد بن سنان، وی را توثیق کرده‌اند. با بررسی‌های انجام گرفته در این تحقیق، ما هم آخرین رویکرد را برگزیده‌ایم.

کلید واژه‌ها: محمد بن سنان، توثیق، تضعیف، غلو، اصحاب سرّ

در میان کتب رجالی شیعه، به روایانی برخورد می‌کنیم که درباره توصیف رجالی آنها، بین علمای رجال اختلافات فراوانی وجود دارد. از جمله این روایان، محمد بن سنان است که علمای رجالی متقدم ما، اخبار کاملاً متفاوت و حتی متناقضی درباره وی داده‌اند. برخی وی را توثیق کرده‌اند و برخی دیگر وی را به شدت تضعیف کرده‌اند.

از این روای، با نام‌های «محمد بن سنان» و «ابن سنان»، در کتب حدیثی شیعه فراوان یاد شده و در کتب اربعه حدیثی، عنوان «محمد بن سنان» در اسناد ۷۹۷ حدیث وجود دارد (معجم رجال الحدیث: ج ۱۷ ص ۱۴۸). از این رو، لازم است که توصیف رجالی وی مشخص شود.

شایان توجه است که در کتب رجال، دو محمد بن سنان وجود دارند که به خاطر اختلاف نسبت و جدّ، دو نفر به حساب آمده‌اند: یکی محمد بن حسن بن سنان زاهری - که مورد بحث ماست - و دیگری محمد بن سنان بن ظریف هاشمی که با توجه به سخن شیخ طوسی (رجال الطوسی: ص

۲۸۳) و کشی ( اختیار معرفة الرجال: ج ۲ ص ۷۹۵) که گفته‌اند: «... ابن سنان و لیس بعبدالله»، احتمال دارد که برادر عبد الله بن سنان باشد که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است. البته برخی آن دو اسم را یکی حساب کرده و گفته‌اند که ممکن است «ظریف» جد نزدیک و «زهر» از اجداد دور او باشد (الرسائل الرجالية: ج ۳ ص ۵۹۱ - ۶۵۱).

به هر حال، این اشتراک به اعتبار روایت خللی وارد نمی‌کند؛ چرا که وقتی نام «محمد بن سنان» می‌آید، به سوی محمد بن سنان زاهری به خاطر مشهور بودنش، انصراف پیدا می‌کند و اختصار در شرح حال محمد بن سنان هاشمی، نشانه ناشناخته بودن اوست (همان: ج ۳ ص ۶۶۰). بنا بر این، موضوع بحث ما، محمد بن سنان زاهری خواهد بود که ابتدا به مطالبی درباره شخص وی اشاره می‌کنیم و بعد به طور مفصل، به توصیف رجالی وی خواهیم پرداخت.

### ویژگی‌های شخصی

نام کامل وی، ابو جعفر محمد بن حسن بن سنان زاهری است. وی در زمان کودکی، پدر خود را از دست داد و جدش سنان، کفالت وی را به عهده گرفت (رجال النجاشی: ص ۳۲۸).

از جمله اساتید وی، می‌توان به فضل بن شاذان و پدرش، یونس بن عبدالرحمان، محمد بن عیسی عیبیدی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، حسین بن سعید اهوازی، و ایوب بن نوح اشاره کرد (اختیار معرفة الرجال: ج ۲ ص ۷۹۵).

محمد بن سنان، از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده (رجال الطوسی: ص ۳۷۷) و نقل شده که وی از اصحاب امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام نیز بوده است (الفوائد الرجالية: ج ۳ ص ۲۴۹ - ۲۷۷). البته در برخی از کتب، از وی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام نام برده شده است. این اشتباه، یا از آن جا ناشی می‌شود که برخی خیال کرده‌اند شیخ طوسی وی را به صورت مستقل ذکر کرده است؛ در حالی که این طور نیست. شیخ طوسی چنین آورده: «محمد بن زیاد السجاد الغزال، الکوفی، روی عنه محمد بن سنان» (رجال الطوسی: ص ۱۵۳ ش ۴۰۹۳). و برخی خیال کرده‌اند که ضمیر «عنه» به امام صادق علیه السلام بر می‌گردد و فاعل «روی»، محمد بن زیاد است و آنچه در ادامه آمده، نام فرد دیگری از اصحاب امام صادق علیه السلام است، و با همین گمان، در نسخه چاپی، جمله «علیه السلام» را بعد از کلمه «عنه» افزوده‌اند. در حالی که فاعل «روی»، محمد بن سنان است و ضمیر «عنه» به محمد بن زیاد بر می‌گردد (معجم رجال الحديث: ج ۱۷ ص ۱۶۰). و یا ناشی از بی‌توجهی به نکته‌ای است که قبلاً بیان شد؛ یعنی احتمال وجود دو نفر به نام محمد بن سنان و این که محمد بن سنان بن ظریف هاشمی، از اصحاب امام صادق بوده است.

از تألیفات وی است: کتاب الطوائف، کتاب الأظلة، کتاب المکاسب، کتاب الحج، کتاب الصيد و الذبائح، کتاب الشراء و البیع، کتاب الوصیة، و کتاب النوادر (رجال النجاشی: ص ۳۲۸). وی به سال ۲۲۰ ق در گذشت (همان جا).

## تضعیف محمد بن سنان

تضعیف محمد بن سنان، به این چند امر بر می‌گردد:

### ۱. آرای علمای حدیث و رجال

نجاشی در کتاب الفهرست، به نقل از ابو العباس احمد بن محمد بن سعید، درباره محمد بن سنان چنین آورده است:

إنه روی عن الرضا... و له مسائل عنه معروفة و هو رجل ضعيف جداً لا يعول عليه و لا يلتفت إلى ما تفرّد به (همان جا).

شیخ طوسی نیز در کتاب الرجال، از وی با تعبیر «ضعیف» (رجال الطوسی: ص ۳۶۴) و در کتاب الفهرست، با تعبیر «و قد طعن علیه و ضعف» (الفهرست: ص ۲۱۹) و در کتاب تهذیب الأحکام، با تعبیر «ضعیف عند نقاد الأخبار» (تهذیب الأحکام: ج ۷ ص ۳۶۱) یاد کرده است.

شیخ مفید، در الرسالة الهلالية، بعد از نقل حدیث «شهر رمضان ثلاثون يوماً لا ينقص أبداً»، می‌گوید: و هذا حدیث شاذ نادر غیر معتمد علیه، فی طریقہ محمد بن سنان، و هو مطعون فیہ لا تختلف العصابة فی تهمة و ضعفه... (الفوائد الرجالية: ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۷۷).

ابن غضائری، درباره محمد بن سنان گفته است:

ضعيف غال، يضع، لا يلتفت إليه (معجم رجال الحديث: ج ۱۷ ص ۱۶۸).

ابن داوود، در کتاب الرجال خود، بعد از آوردن اقوال نجاشی و شیخ طوسی مبنی بر ضعف و طعن محمد بن سنان، از زبان خود وی نقل کرده که قبل از مرگش گفته است: لا ترووا عني مما حدثت شيئاً، فإنما هي كتب اشتريتها من السوق!

و سپس می‌نویسد:

الغالب علی حدیثه الفساد (رجال ابن داوود: ص ۲۷۳).

برخی از علمای متقدم، مانند محقق حلی، علامه حلی و شهید ثانی نیز محمد بن سنان را تضعیف کرده‌اند.

### ۲. اسباب تضعیف

#### الف) اتهام غلو

از صفوان بن یحیی نقل شده است که: «لن محمد بن سنان كان من الطياره فقصمناه» (همان جا). محمد بن سنان، از غلات بود و ما در مقابل او ایستادیم».

#### ب) وجاده‌ای بودن روایات

گفته‌اند که محمد بن سنان، روایاتش را نه خود شخصاً شنیده، و نه بر او روایت شده است؛ بلکه آنها را در کتاب‌ها می‌خوانده و نقل می‌کرده است. از ایوب بن نوح نقل شده که وی گفته است: من از

محمد بن سنان روایاتی را نوشته‌ام؛ اما آنها را روایت نمی‌کنم؛ زیرا وی قبل از مرگش گفته است: «کَلِمَا حَدَّثْتُمْ بِهِ لَمْ يَكُن لِي سَمَاعٌ وَلَا رَوَايَةٌ، إِنَّمَا وَجَدْتُهُ» (اختیار معرفة الرجال: ج ۲ ص ۷۹۵).

### ج) اعتراف به نقل معضلات

از خود محمد بن سنان نقل شده که در مسجد کوفه می‌گفته است: «من أراد المعضلات فإلي، و من أراد الحلال و الحرام فعليه بالشيخ (همان جا). هر کس نقل معضلات را دوست دارد، به من رجوع کند و هر کس حلال و حرام را می‌خواهد بداند، به این شیخ - یعنی صفوان بن یحیی - مراجعه کند».

### د) کذاب شمردن وی

از فضل بن شاذان نقل شده که در بعضی از کتب خود آورده است: «لا أستحلُّ أن أروي أحاديثَ محمد بن سنان» (همان جا). نیز نقل شده که: «إن من الكاذبين المشهورين ابن سنان و ليس بعبد الله» (همان جا) همچنین در یکی از کتب دیگرش آورده است: «الکذابون المشهورون: أبو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید الصایغ و محمد بن سنان، و أبو سمینة أشهرهم» (اختیار معرفة الرجال: ج ۲ ص ۸۲۳).

### بررسی تضعیف محمد بن سنان

برای بررسی مطالبی که در تضعیف محمد بن سنان بیان شد، ابتدا به بررسی اقوال علمای حدیث و رجال می‌پردازیم و سپس، اقوالی را که بر ضعف محمد بن سنان حکایت می‌کرد، بررسی می‌کنیم:

### بررسی تضعیف علمای حدیث و رجال

در باره قول نجاشی: «و قال أبو العباس أحمد بن محمد بن سعید: إنه روی عن الرضا عليه السلام قال: ... هو رجل ضعيف جداً لا يعول عليه و لا يلتفت إلى ما تفرّد به» (رجال النجاشی: ص ۳۲۸)، باید گفت که جمله «هو رجل ضعيف» معلوم نیست قول احمد (ابن عقده) است یا قول خود نجاشی. اگر چه نجاشی در جای دیگر و در شرح حال میاح مدائنی (همان: ص ۴۲۴) وی را تضعیف کرده است؛ اما توثیق علمایی مانند شیخ مفید، شیخ طوسی (در کتاب الغيبة)، سید بن طاووس، شیخ حرّ عاملی، وحید بهبهانی و ... ، و نقل علمای مورد اعتماد از وی، با تضعیف برخی از علما منافات دارد و لذا این اقوال، به سبب تعارض با یکدیگر، از اعتبار ساقط می‌شوند.

درباره اقوال شیخ طوسی نیز باید گفت که این اقوال، اولاً با توثیق خود او در الغيبة، و ثانیاً با دیگر توثیقاتی که درباره محمد بن سنان نقل شده، تعارض دارند (همان جا).

اما آنچه از شیخ مفید نقل شده که گفته: «و هو مطعون فيه لا تختلف العصابة في تهمة و ضعفه...» (الفوائد الرجالية: ج ۳ ص ۲۴۹ - ۲۷۷)، یا این که: «محمد بن سنان طعن علیه، و هو متهم بالغلو» (الرسائل الرجالية: ج ۳ ص ۶۱۷ به نقل از الرسالة العددية: ص ۲۰ ش ۹)، هر دو قول، با کلام دیگر شیخ مفید در الإرشاد، (ص ۳۰۵) تعارض دارند؛ ضمن این که به نظر برخی از علماء، قول شیخ مفید در این جا، از باب روایت است؛ ولی در الإرشاد، از باب درایه است، و درایه مقدم بر روایت است (الرسائل الرجالية: ج ۳ ص ۵۹۱ - ۶۵۱).

درباره تضعیف علمای متقدمی چون محقق و علامه و شهید ثانی نیز، باید گفت که مصدر تضعیف آنها، همان قول متقدمان است؛ ضمن این که تضعیف اینها اعتباری ندارد (همان جا).

### بررسی اسباب تضعیف

#### الف) بررسی اتهام غلو

اولاً: بررسی روایات محمد بن سنان و توجه به اعتماد قمیین - بویژه احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسن بن ولید و محمد بن علی بن بابویه - بر وی، محمد بن سنان را از این اتهام بری می‌سازد.

ثانیاً: این اتهام، با روایت علمای عادل و ثقة که از محمد بن سنان نقل کرده‌اند، در تناقض است. ثالثاً: نباید از نظر دور داشت که برخی اوقات، وقتی قول کسی با دیگری همخوانی ندارد، وی را به غلو متهم می‌کند (همان جا).

رابعاً: اگر کسی روایات و کتب را به دقت مطالعه کند، در می‌یابد که ائمه علیهم السلام یاران خاصی داشته‌اند که آنها را از عجایب امور و غرایب اخبار، مطلع می‌کرده‌اند و چه بسا کسانی که چون خود از خواص ائمه نبوده‌اند و تحمل برخی از این امور را نداشته‌اند، آن خواص را تکذیب کرده و یا متهم به غلو و ارتفاع قول می‌کرده‌اند؛ همان طور که در شأن سلمان و ابو ذر، چنین چیزی اتفاق افتاده بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لو علم أبو ذر ما فی قلب سلمان، لقتله».

شکی نیست که محمد بن سنان، از یاران خاص امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده است و این مطلب را این روایت تأیید می‌کند:

روی عن الحسين بن شعيب عن محمد بن سنان، قال: دخلتُ على أبي جعفر الثاني عليه السلام فقال: «يا محمد! كيف أنت إذا لعنتك و برئت منك و جعلتك محنة للعالمين أهدى بك من أشاء و أضل من أشاء؟». قال: قلت: تفعل بعبدك ما تشاء، إنك على كل شيء قدير. ثم قال: «يا محمد! أنت عبد أخلصت لله و إني ناجيتُ الله فيك فأبى إلا أن يضل بك كثيراً و يهدى بك كثيراً».

حسین بن شعیب، از محمد بن سنان روایت کرده که وی می‌گوید: نزد امام جواد<sup>ع</sup> رفتم. ایشان فرمود: «ای محمد! وقتی که من تو را لعنت کنم و از تو براءت بجویم و تو را سبب محنت برای جهانیان قرار دهم تا به وسیله تو، عذای را هدایت کنم و عذای را گمراه، تو چه حالی خواهی داشت؟».

گفتم: تو هر چه بخواهی، با غلامت انجام می‌دهی و تو بر هر کاری توانایی. امام<sup>ع</sup> فرمود: «ای محمد! تو بنده‌ای هستی که خودت را برای خدا خالص کرده‌ای. من، درباره تو با خدا نجوا کردم و خداوند، فقط این را خواسته که به وسیله تو، عذای را گمراه و عذای را هدایت کند».

این از سیره برخی علما بوده که وقتی شخصی مطلبی را می‌گفت که با دیدگاه‌ها و تفکرات آنها تضاد داشت، او را متهم به تخیل و نقصان ایمان می‌کردند؛ همان طور که بین سید مرتضی و شیخ صدوق، درباره «سهو النبی» چنین اتفاقی افتاد (رجال النخافانی: ص ۱۵۷ - ۱۶۸).

### ب) بررسی وجاده‌ای بودن روایات

در این باره، باید گفت که اولاً هنگامی که انتساب کتاب به مؤلفش مشخص باشد، وجاده معتبر است. ثانیاً با توجه به روایاتی که محمد بن سنان، بی‌واسطه از ائمه<sup>ع</sup> نقل می‌کند، نمی‌توان تصور کرد که این گونه روایات از طریق وجاده به دست آمده باشند.

ثالثاً کلام منقول از ایوب بن نوح، در واقع دفاع از محمد بن سنان است؛ چرا که حمدویه بن نصیر نقل می‌کند که وی دفتری به او داد که در آن، احادیث محمد بن سنان بود و گفت: «اگر خواستید چیزی از آن بنویسید، این کار را انجام دهید و من هم از محمد بن سنان، مطالبی را نوشته‌ام؛ ولی از آن، چیزی برای شما نقل نمی‌کنم»<sup>۱</sup>. حمدویه در روایت دیگری نیز گفته: «کتبت احادیث محمد ابن سنان عن ایوب بن نوح». این دو قول، دلالت واضحی بر روایت کردن احادیث محمد بن سنان دارد (الفوائد الرجالیة: ج ۳ ص ۲۴۹ - ۲۷۷).

رابعاً این قول، کمال احتیاط و یا عدم جایز بودن روایت با وجاده را بیان می‌کند، و البته در میان روایت‌های محمد بن سنان از معصوم، بسیاری را از طریقی غیر از وجاده دریافت کرده است. (ر.ک. الرسائل الرجالیة: ج ۳ ص ۵۹۱ - ۶۵۱). وجاده‌ای بودن برخی، موجب بی‌اعتبار شدن دیگر روایات نمی‌شود.

### ج) بررسی نقل معضلات

درباره این که او گفته: «من أراد المعضلات فالی، و من أراد الحلال والحرام فعلیه بالشیخ»، باید گفت که معضلات به معنای مشکلات است و شکی نیست که «آن حدیث اهل البیت<sup>ع</sup> صعب

۱. آنه دفع الیه دفترأ فیه احادیث محمد بن سنان، و قال: إذا شتمت أن تکتبوا ذلك فأعلموا، فانی کتبت عن محمد بن سنان ولكن لا أروی لكم عنه شیئا.

مستصعب» (الفوائد الرجالية: ج ۳ ص ۲۴۹ - ۲۷۷). پس این مطلب، بیشتر بر مدح محمد بن سنان دلالت دارد تا بر ذم او.

#### د) بررسی کذاب بودن محمد بن سنان

اولاً با نظر در کتب تراجم و رجال، مشخص می‌شود که محمد بن سنان، همانند ابو الخطاب و ابو سمینه و مانند اینها نیست و بر فرض ضعیف بودن، وی کذاب مشهور نیست؛ چرا که فضل بن شاذان، خود از کسانی است که فراوان از محمد بن سنان نقل روایت می‌کند. ابن داوود، در شرح حال محمد بن علی، مکتباً به ابو سمینه، سخن فضل را چنین نقل می‌کند: «إِنَّ الْكُذَّابِينَ الْمَشْهُورِينَ أَرْبَعَةٌ: أَبُو الْخَطَّابِ وَ يُونُسُ بْنُ زَلْيَانَ وَ يَزِيدُ الصَّائِغُ وَ أَبُو سَمِينَةَ، وَ هُوَ أَشْهَرُهُمْ»، که محمد بن سنان از آنها نیست. پس شاید اضافه کردن محمد بن سنان در جمع اینها، یک دسیسه باشد (همان جا).

ثانیاً اگر محمد بن سنان، کذابی مشهور بود؛ چرا این همه بزرگان عدول و ثقه، از وی روایت کرده‌اند؟

خلاصه این که هیچ یک از این اتهامات و نیز اقوال علما، باعث تضعیف محمد بن سنان نمی‌شود. مطالبی که در توثیق محمد بن سنان خواهیم آورد، این مطلب را بهتر نمایان می‌سازد.

#### توثیق محمد بن سنان

مطالبی را که در توثیق محمد بن سنان بیان شده، می‌توان به چند صورت بیان کرد:

#### ۱. بیان علمای رجال و حدیث

شیخ مفید، درباره محمد بن سنان، چنین نوشته است:

إِنَّهُ مِنْ خَاصَّةِ الْكَاطِمِيِّينَ وَ ثِقَاتِهِ وَ أَهْلِ الْوَرَعِ وَ الْعِلْمِ وَ الْفَقْهِ مِنْ شَيْعَتِهِ، وَ مَمَّنْ رَوَى النَّصَّ عَلَى الرَّضَائِيِّينَ (الارشاد: ص ۳۰۵).

شیخ طوسی، در کتاب النبیة، روایتی را نقل کرده که حاکی از توثیق و یا مدح محمد بن سنان است: و روی عن ابی طالب القمی قال: دخلت علی ابی جعفر الثانی ع فی آخر عمره، فسمعته یقول: «جزی الله صفوان بن یحیی و محمد بن سنان و زکریا بن آدم و سعد بن سعد عنی خیراً، فقد وفوا لی». إلی أن قال: و أما محمد بن سنان، فإنه روی عن علی بن الحسین بن داوود، قال: سمعت أبا جعفر ع یذکر محمد بن سنان بخیر، و یقول: «رضی الله عنه برضائی عنه، فما خالفنی و لا خالف ابی قطاً» (الرسائل الرجالية: ج ۳ ص ۵۹۹) (به نقل از النبیة: ص ۳۴۸ و ۳۰۴).

علامه حلی، از تضعیف وی برگشته (در خلاصه) و حکم به صحیح بودن وی داده است (در المختلف). علامه مجلسی و سید نعمه الله جزایری نیز وی را از یاران خاص ائمه دانسته‌اند و سید بن طاووس، از کسانی که وی را ذم می‌کنند، اظهار تعجب کرده است (رجال الخاقانی: ص ۱۵۷ - ۱۶۸).

برخی از علمای متأخر نیز پس از بررسی اقوال علمای متقدم، رأی به توثیق محمد بن سنان داده‌اند. البته آقای خویی در بررسی‌های خود، قائل به مدح محمد بن سنان شده؛ ولی بنا به تضعیف نجاشی و شیخ طوسی، توثیق وی را معتبر نمی‌داند.<sup>۱</sup> یکی از علمایی که قائل به توثیق محمد بن سنان شده‌اند، شیخ حرّ عاملی است که درباره وی می‌گوید:

ظاهراً نجاشی و شیخ طوسی، وی را تضعیف کرده‌اند و این دو نفر با توجه به نظر ابن عقده، وی را تضعیف کرده‌اند و دلیل ابن عقده نیز این سخن محمد بن سنان است که گفته: «کَلِمَا رَوَيْتَهُ لَكُمْ لَمْ يَكُن لِي سَمَاعًا، وَإِنَّمَا وَجَدْتَهُ». ولی این قول، بر ضعف محمد بن سنان دلالت نمی‌کند؛ بلکه اهل احتیاط بودن وی را می‌رساند... کسانی مانند ابن طاووس و ابن شعبه، وی را توثیق کرده‌اند و برخی از بزرگان شیعه توثیق وی را ترجیح داده‌اند، که صحیح هم همین است (معجم رجال الحدیث: ج ۱۷ ص ۱۶۹ - ۱۷۱؛ صاحب الوسائل فی رجاله: الجزء ۲۰، خاتمة الكتاب، باب المیم، رقم ۱۰۴۹).

سید بحر العلوم نیز در کتاب الفوائد الرجالیة می‌نویسد:

... این اختلاف اقوال و روایات، به متأخران از علمای فن، مانند: کشی، نجاشی، مفید، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، و دو سید بزرگوار ابن طاووس، علامه حلی و ابن داوود نیز سرایت کرد و برخی از آنها وی را تضعیف و برخی دیگر وی را توثیق نمودند و برخی نیز رأی به توقّف دادند؛ ولی با توجه به همه اقوالی که ذکر شد، به دست می‌آید که: «أَنَّ الْأَصْحَ تَوْثِيقَ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ» (الفوائد الرجالیة: ج ۳ ص ۲۴۹ - ۲۷۷).

ابو المعالی کلباسی نیز در کتاب الرسائل الرجالیة، ابتدا روایات و اقوال دال بر مدح و یا توثیق محمد بن سنان را می‌آورد و همه آنها را تأیید می‌کند و سپس چنین نتیجه می‌گیرد:

و الظاهر - بل بلا إشکال - سقوط دعوی کونه من الکذّابین المشهورین، و الظاهر تقدّم التوثیقات المتقدّمة علی ما ینافیها، لا اعتضادها بأموّی تظهر ممّا مرّ من الأخبار الدالة علی المدح و غیر الأخبار. فحدیثه صحیح بناءً علی کفایة التوثیق فی صحّة الحدیث، بل تثبت عدالته بالتوثیقات المتقدّمة... (الرسائل الرجالیة: ج ۳ ص ۵۹۱ - ۶۵۱).

خاقانی نیز در کتاب الرجال خود آورده است که اساطین فن، مانند: شیخ طوسی، علامه حلی، سید بن طاووس، فضل بن شاذان، کشی، وحید بهبهانی، علامه مجلسی و شیخ عبد النبی، همگی

۱. آقای خویی، بعد از ذکر روایات و اقوال علمای رجال درباره محمد بن سنان، می‌گوید: «آنچه از روایات به دست می‌آید، این است که محمد بن سنان، از موالی ائمه بوده و مدح است، و معصوم است از وی اعلام رضایت کرده و به همین دلیل، شیخ طوسی وی را مدح شمرده است».

اما در ادامه می‌نویسد: «اگر نه این بود که ابن عقده، نجاشی، شیخ طوسی و شیخ مفید و ابن غضائری وی را تضعیف کرده‌اند، عمل به روایات وی مشکلی نداشت؛ اما تضعیف این عالمان، ما را از اعتماد به وی منع می‌کند و به همین دلیل، اعتمادی به توثیق شیخ مفید نیست» (معجم رجال الحدیث: ج ۱۷ ص ۱۶۹ - ۱۷۱).



قاتل به مدح محمد بن سنان هستند و تضعیف کسانی مانند نجاشی و کثی نیز کاملاً معلوم نیست. تنها، تضعیف تعداد اندکی مانند ابن غضائری می‌ماند که بعید نیست منشأ آن نیز، قول فضل بن شاذان باشد که گفته: «إِنَّ مِنَ الْكُذَّابِينَ الْمَشْهُورِينَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ»، که درباره این قول، گفته شد که انتساب آن به فضل ثابت نیست و با فرض ثبوت آن، احتمال دارد درباره محمد بن سنان بن ظریف هاشمی، برادر عبد الله بن سنان، باشد. حاصل سخن خاقانی چنین است:

فلا ينبغي التذح و الطعن في محمد بن سنان؛ لا في نفسه من جهة الغلو و شبهة، و لا في رواياته أصلاً (رجال الخاقانی: ص ۱۵۷ - ۱۶۸).

## ۲. روایت کردن مشایخ بزرگ از محمد بن سنان

تعداد بسیاری از علما و فقهای بزرگ و مورد اعتماد شیعه، از محمد بن سنان روایاتی نقل کرده‌اند و این، خود حاکی از اعتماد آنان به محمد بن سنان است؛ کسانی مانند: احمد بن محمد بن عیسی، ایوب بن نوح، حسن بن سعید بن سعید، حسن بن علی بن یقطین، حسین بن سعید، صفوان بن یحیی، عباس بن معروف، عبد الرحمان بن ابی نجران، عبد الله بن صلت، فضل بن شاذان، محمد بن اسماعیل بن بزیع، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن عبد الجبار، موسی بن قاسم، یعقوب بن یزید و یونس بن عبد الرحمان.

از راویان مشهور موثق یا مقبول نیز که از وی روایت نقل کرده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن خالد، حسن بن حسین لؤلؤی، حسن بن علی بن فضال، شاذان بن خلیل، علی بن أسباط، علی بن حکم، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن خالد برقی، محمد بن عیسی بن عبید (همان جا).

## ۳. نقل روایات محمد بن سنان توسط محدثان بزرگ

کتاب‌های حدیثی، مشحون از روایاتی است که بزرگان شیعه از جمله کوفیان و قمیان، از محمد بن سنان نقل نموده‌اند. صاحب *نادر الحکمة*، تعداد بسیاری از این روایات را آورده است. مرحوم کلینی در اصول و فروع *الکافی*، فراوان از وی نقل نموده است. مرحوم شیخ صدوق، در کتاب *من لا یحضره الفقیه* - که به گفته خودش، «لا یورد فیہ إلا ما هو حجة بینة و بین ربه» - از محمد بن سنان روایت نقل نموده و در مشیخة این کتاب آورده است: «إن ما یرویه عنه، فقد رواه عن أیبه عن علی بن ابراهیم عن أیبه عنه».

شیخ طوسی، در تهذیبین، فراوان از محمد بن سنان روایت آورده و در کتاب *الفهرست* نوشته است: «کتابه عن جماعة، و منهم المفید عن الصدوق عن أیبه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و الحمیری و محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن و أحمد بن محمد عنه».

ابو غالب زراری، در نامه خود به نوه اش احمد بن عبد الله بن احمد، نوشته است:

از جمله کتاب‌هایی که به خواندن آنها وصیت می‌کنم و بر حفظ آن تأکید دارم و روایت کردن مطالب آن را اجازه می‌دهم، دو کتاب *الطرائف والنوادر* و دیگر کتب محمد بن سنان است (همان جا).

#### ۴. روایات وارد شده در توثیق و مدح محمد بن سنان

کشی در *الرجال* خود، روایاتی نقل کرده است که در آنها قرائتی حاکی از توثیق و یا مدح محمد بن سنان وجود دارد. در حدیثی، از محمد بن سنان نقل شده است که امام کاظم علیه السلام به وی می‌فرماید:

... قد وجدتك في صحيفة أمير المؤمنين عليه السلام. أما أنك في شيعتنا أين من البرق في الليلة الظلماء... يا محمد! إن المفضل أنسى و مستراحي، و أنت أنسهما و مستراحهما، حرام على النار أن تمسك أبداً (یعنی ابا الحسن و ابا جعفر علیهما السلام).

نام تو را در صحیفه امیر المؤمنین یافتیم. بودن تو در زمره شیعیان ما، آشکارتر از برق در شب تاریک است. ای محمد! مفضل، مایه انس و آرامش من بود و تو مایه انس و آرامش آن دو (امام رضا و امام جواد علیهما السلام) هستی (اختیار *معرفة الرجال*: ج ۲ ص ۷۹۵).

در حدیثی دیگر، از محمد بن سنان نقل شده که امام جواد علیه السلام به وی گفته است:

... يا محمد! أنت عبدٌ قد أخلصت لله. إني ناجيت الله فيك، فإني إلا أن يُضِلَّ بك كثيراً و يهدى بك كثيراً (همان جا).

ای محمد! تو بنده‌ای هستی که خود را برای خدا خالص کرده‌ای. من درباره تو با خدا نجوا کردم. خدا فقط چنین خواسته که با تو، عده‌ای را گمراه و عده‌ای را هدایت کند.

#### ۵. سلامت از غلو و جایگاه بلند محمد بن سنان در اخبار

با تتبع در اخبار، معلوم می‌شود که محمد بن سنان، جایگاهی بزرگ و شانی والا داشته است؛ چرا که چهار تن از ائمه علیهم السلام را ملاقات کرده و از آنها روایت نقل کرده و حتی وکالت برخی از آنان را برعهده داشته است.

نیز کثرت روایات او در اصول و فروع، و موافقت این روایات با اخبار سایر بزرگان شیعه، سلامت وی را از غلو و کذب، آشکار می‌سازد. روایت کردن وی از امام رضا و امام جواد علیهما السلام سلامت مذهب وی و واقعی نبودن او را ثابت می‌کند؛ چراکه در آن زمان، بسیاری از شیعیان، گرفتار این فتنه بودند. کسانی مانند علی بن ابی حمزه بطائنی و پیروانش، بر مذهب واقفه مانندند و کسانی مانند احمد بن محمد بن ابی نصر، جمیل بن درآج، حماد بن عیسی، رفاعه بن موسی، عبد الرحمان بن حجاج، یونس بن یعقوب، ابتدا به این مذهب گراییدند، ولی بعدها بر اشتباه خود آگاه گشتند (همان جا).

#### نتیجه بحث

همان‌طور که ملاحظه شد، درباره توصیف رجالی محمد بن سنان، بحث‌های فراوانی صورت گرفته که به طور کلی، در سه رویکرد می‌گنجند:

۱. قائل شدن به توقف، به دلیل اختلافات فراوانی که وجود دارد. علامه حلی خلاصه الأقوال (ص ۷۹)، این راه را برگزیده است.

۲. تضعیف او به دلیل اقوال علمایی مانند شیخ طوسی و نجاشی. این، رویکردی است که آقای خوینی در معجم رجال الحدیث (ج ۱۷ ص ۱۶۹ - ۱۷۱) برگزیده است.

۳. بررسی روایات محمد بن سنان و ارزیابی اقوال علما درباره وی. کسانی که به بررسی روایات وی پرداخته‌اند، وی را از اتهامات وارد شده؛ از جمله اتهام غلو، مبراً دانسته‌اند و در بررسی اقوال علما، ضمن بیان تعارض‌هایی که میان آنها وجود دارد، به توجیه اقوال دال بر تضعیف او پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که با توجه به روایات محمد بن سنان و برآیند اقوال علما درباره وی، می‌توان به روایات وی عمل کرد، و وی را مدح یا توثیق کرده‌اند. بسیاری از علما، مانند شیخ حرّ عاملی، سید بحر العلوم و ابو المعالی کلباسی، این رویکرد را برگزیده‌اند.

به نظر ما، با توقف، مشکلی حل نمی‌شود و با تحقیق رجالی می‌توان راه حل صحیحی را برای روایات بسیار وی و اعتبار آنها پیمود. رویکرد دوم نیز چیزی فراتر از تقلید نیست و ما با پذیرش این رویکرد، راه‌های دیگر را بر خود می‌بندیم؛ اما در رویکرد سوم، به بررسی روایات محمد بن سنان و همچنین اقوال علما درباره وی می‌پردازیم. در این بررسی اثبات می‌شود اقوالی که درباره تضعیف وی وارد شده، هیچ کدام تضعیف وی را اثبات نمی‌کند.

در این اقوال، وی یا متهّم به غلو شده است؛ ولی با بررسی روایات او و نظر به اعتماد علمای بزرگی مانند احمد بن محمد بن عیسی بر وی، از این اتهام مبراً می‌شود.

درباره وجاده‌ای بودن روایات وی نیز که خود به آن معترف است، باید گفت که اولاً: این قول، کمال احتیاط محمد بن سنان را می‌رساند و ثانیاً: نمی‌توان پذیرفت روایاتی که او از ائمه نقل می‌کند، از طریق وجاده به دست آمده باشند.

اقوالی هم که به فضل بن شاذان نسبت داده شده که در این اقوال، محمد بن سنان «کذاب مشهور» معرفی شده است - و احتمالاً مطالبی که شیخ طوسی و نجاشی درباره او گفته‌اند نیز، ناشی از همین اقوال فضل باشد -، در این باره نیز باید گفت: اولاً صدور این مطلب از فضل، ثابت نیست. ثانیاً خود فضل از کسانی است که از محمد بن سنان روایت می‌کند ثالثاً اگر محمد بن سنان کذاب مشهور است، پس چرا این همه بزرگان عادل و ثقه، از وی روایت کرده‌اند؟!

بحث دیگر، این است که محمد بن سنان، خود را تنها در «معضلات» صاحب نظر دانسته و نه در حلال و حرام. در این باره نیز باید گفت که «معضلات»، به معنای «مشکلات» است و شکی نیست که «آن حدیث اهل البیت صعب مستصعب». بنا بر این، از این قول نیز تضعیف محمد بن سنان ثابت نمی‌شود.

درباره تضعیف نجاشی باید گفت که اولاً احتمال دارد قول خود وی نباشد؛ بلکه قول ابن عقده باشد. ثانیاً این تضعیف نجاشی، با توثیق و اعتماد دیگر علمای بزرگ، منافات دارد.

اما دربارهٔ تضعیف شیخ طوسی باید گفت که خود شیخ نیز در کتاب *الغیبه*، محمد بن سنان را توثیق می‌کند و بعید نیست که دلیل شیخ برای تضعیف او، مطالب منسوب به فضل باشد که قبلاً به آن پرداخته شد و ثابت شد که با آن اقوال، تضعیف محمد بن سنان، اثبات نمی‌شود. در مجموع، به این نتیجه رسیدیم که محمد بن سنان، از یاران ویژه و جزو اصحاب سرّ ائمه بوده و نه تنها تضعیف نمی‌شود؛ بلکه وثاقت او و اعتماد بر روایات وی، اثبات می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## كتاب نامه

١. اختيار معرفة الرجال، الشيخ الطوسي، تحقيق: سيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٠٤ ق.
٢. خلاصة الأقوال، «علامة الحلي، المطبعة الحيدرية، ١٣٨١ ق.
٣. رجال ابن داوود، ابن داوود الحلي، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ ق.
٤. رجال الخاقاني، الشيخ علي الخاقاني، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، مكتب الاعلام الإسلامي، ١٤٠٤ ق.
٥. رجال الطوسي، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٥ ق.
٦. رجال التجاشي، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٦ ق، پنجم.
٧. الرسائل الرجالية، أبو المعالي الكلباسي، تحقيق: محمد حسين الدرايتي، قم: دار الحديث، ١٤٢٢ ق.
٨. الفوائد الرجالية (رجال سيد بحر العلوم)، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، مكتبة الصادق، ١٣٦٣.
٩. الفهرست، الشيخ الطوسي، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ ق.
١٠. معجم رجال الحديث، السيد ابوالقاسم الخوني، تحقيق: لجنة التحقيق، ١٤١٣ ق، پنجم.
١١. نقد الرجال، السيد مصطفى التفرشي، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤١٨ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی